

برای رهایی به نیروی جمعی خود تکیه میکنیم

بیانیه ی اشتراک علیه تهدیدات نظامی و تحریم اقتصادی



این اولین بار نیست که اخبار و اظهار نظرها از سوی شبکه های خبری در رابطه با احتمال حمله ی نظامی به ایران شنیده می شود و هر دوره از آغاز تهدیدات جدید علیه ایران و داغ کردن موضوع حمله ی نظامی، می تواند به مثابه یک ارزیابی جدید از افکار عمومی دنیا از سوی جنگ افروزان در جهان یا همان صادر کنندگان دموکراسی برای آغاز یک جنگ دیگر در منطقه باشد که به طبع آن واکنش ها به این موضوع بلافاصله از سوی رهبران کشورها و همچنین گروه های فعال در داخل و خارج از ایران و طیف های مختلف فعالین سیاسی به گوش میرسد.

واکنش ها به موج تهدیدات اخیر علیه ایران خیره کننده بود به طوری که علاوه بر بسیاری کشورها که خود را نگران از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای نشان دادند و بنا به این نگرانی به صف طرفداران جنگ پیوستند، برخی از باصطلاح حامیان دموکراسی نیز که تلاش خود را رسیدن به آزادی و حکومت مردم در ایران معرفی میکنند و اغلب شعارهایی مبنی بر منع خشونت سر می دهند نیز بار دیگر و با شفافیتی بیشتر خواهان آغاز جنگ شدند. آنچه برای حامیان جنگ اهمیت دارد تنها هموار کردن راه رسیدن به قدرت است. قدرتی که نه بر آمده از خواست مردم بلکه مشخصا برآمده از سیاست های مورد تایید قدرتهای غربی است. این پرچمداران "دموکراسی و عدم خشونت" به وضوح اعلام کرده اند که خواستار حکومتی نه بر آمده از خشم خیابانها و مردم به جان آمده و نه از پیکار مردم علیه سیستم حاکم، بلکه به سادگی از هر طریقی به جز آن هستند و طبیعتا در این مسیر بمب افکن ها و تلفات میلیونی و آسیب های ناشی از جنگ هم هیچ تضادی با خواست و نظرات آنها نخواهد داشت. توجه داشته باشید که مشتاقان امروزی جنگ همان مشتاقان تحریم های بیشتر هستند که امروز بازتاب این تحریم ها در ایران تنها گلوی مردم را می فشارد و هیچ تاثیری در تضعیف جمهوری اسلامی در مقابل مردم نداشته است. پس آیا وقیحانه نیست این چنین تقاضا نامه هایی را برای آغاز کشتار مردم و ویرانی زندگی شان نوشتن!؟

از نقطه نظر غرب و ناتو مسئله، ایجاد یک حکومت سازگار با غرب است. تفاوتی نخواهد کرد که این حکومت بر پایه ی قوانین اسلامی و بواسطه ی گروه های اسلامی بنیان شود یا غیر از آن، بلکه مسئله تنها کنترل جریان های اجتماعی در آن جامعه است تا از به قدرت رسیدن نیروی سیاسی دیگری که کنترل آن از دست غرب خارج است، جلوگیری به عمل آورد. بمب افکن ها و سربازان تا دندان مسلح هیچ چیزی جز ویرانی و کشتار با خود به همراه ندارند. طبیعتاً هزینه های هنگفت برای یک جنگ تنها زمانی پرداخت میشود که وعده ی منفعتی در پس آن باشد. آمریکا و متحدانش سالهاست که بدنبال حذف و یا دگرگونی ماهوی رژیم های یاغی و سرکش در برابر نظامی که آنها قصد گسترش و تحمیلش را بر جهان و خاورمیانه دارند، میباشند. ابزارهای نیل به این هدف از تحریم اقتصادی تا ویران کردن زیرساختهای اقتصادی بوسیله ضربات نظامی، از سازماندهی و حمایت از بخشهای ارتجاعی اپوزیسیون و گروههای شبه نظامی تا حمله تمام عیار نظامی، بیش از همه زندگی عادی و زیست مادی و روانی شهروندان کشورها را هدف میگیرد و به آن آسیب میزند. ماهیت این رژیم ها هر چقدر هم که ارتجاعی باشد، سرکردگان قلدر نظام جهانی به هیچ عنوان در پی جایگزینی آنها با حکومتهایی دموکراتیک و متعهد به حقوق بشر، حتی در تعریف محدود بورژوازی آن، نیستند.

تصور ما بر اینست که زمانی که بحث جنگ و حمله ی نظامی به یک کشور است نمی توان آن را به هیچ عنوان مورد قبول دانست حتی اگر علیه حکومتی ضد بشر و دیکتاتور مانند جمهوری اسلامی باشد. درگیری نظامی در ایران تبعات خونباری خواهد داشت که جان میلیونها انسان را به خطر می اندازد و به هیچ عنوان راه حلی برای مشکلات نخواهد بود. جنگ های در منطقه نمونه های خوبی هستند تا بتوان به ابعاد فاجعه پی برد و طبیعتاً جنگ علیه جمهوری اسلامی به مراتب خونبارتر و مرگ بار تر خواهد بود. هیچ دنیای بهتری در آغاز و فردای جنگ وجود ندارد کما اینکه مردم ایران تجربه جنگ ایران و عراق را از سر گذرانده اند و می توانند به حافظه شان مراجعه کنند. آغاز جنگ نه لزوماً منجر به نابود کردن جمهوری اسلامی بلکه حتماً منجر به نابود کردن مردم می شود.

کلید خروج از آوار مصیبت هایی که جمهوری اسلامی بر سر جامعه وارد کرده است تنها در دست مردم است و دستیابی به جامعه ای متمدن تنها با مبارزه جنبشهای اجتماعی از پایین و سازماندهی و تکیه به قدرت خود ممکن است. جامعه ایران اکنون حامل جنبش های اجتماعی ای است که می توانند مسیر آینده کشور را تعیین کنند و ورود به فاز یک جنگ مسیر رشد این جنبشها را از هم می پاشد. از این زاویه تمامی نیروهای سیاسی ای که آشکارا یا با شرمندگی از لزوم دخالت نظامی سخن میرانند باید بعنوان نیروهایی که نه تنها در مقابل رهایی و مطالبات آزادیخواهانه مردم ایستاده اند بلکه اساساً در صدد ضربه زدن به خود این جنبشها و تحمیل دور باطل خشونت، کشتار و فروپاشی اجتماعی هستند، افشا شوند. از نظر ما سرنگونی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی به قدرت مردم، امروز یگانه راه برای برون رفت از این بحران است و دستیابی به آن نیازمند سازماندهی و رشد آگاهی در میان زحمتکشان، فقرای شهری و طبقه کارگر. تنها مسیر مطمئن و روشن برای پایان دادن به کابوس رژیم اسلامی، امید و تکیه به نیروی آزادیخواهان و برابری طلبان و پیشبرد مبارزه بر این مبناست.

تحریریه نشریه الکترونیکی اشتراک

۲ آذر ۱۳۹۰